

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان  
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره ۱۲ • صفحه ۸۸۹۲۵۶۶۷  
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸  
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شرق

## روزنامه

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ • ۲۹ رجب ۱۴۴۶ • ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۳۸ • ۱۲ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۴۹ • اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۵



در استان خراسان شمالی، شهرستان‌های «راز»، «چرکلان»، «مانه» و «سملقان» به‌عنوان مراکز اصلی و مهم پرورش اسب ترکمن شناخته شده‌اند. هر ساله در این مناطق، مسابقات اسب‌دوانی و جشنواره‌هایی با هدف معرفی و حفظ اسب اصیل ترکمن برگزار می‌شود. اسب ترکمن شامل سه نژاد اصلی «خال تکه»، «بموت» و «چاران» است. عکس: وحید خادمی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 | twitter:sharghdaily | youtube:sharghdaily | Telegram:SharghDaily | aparat:tasvirshargh | www.sharghdaily.com

## در حسرت روایت دقیق ماجرای کرسنت



پویانمعت‌اللهی

است. وزارت خارجه گفته این خبر دقیق نیست اما توضیح نداده که روایت «دقیق» ماجرا چیست. این یکی از آفات نظام اطلاع‌رسانی ماست. هنوز کسی جزئیات دقیقی از پرونده‌ای که تاکنون شاید میلیاردها به کشور ضرر زده، در اختیار ندارد. هرکسی برای خودش گوشه‌ای از ماجرا را روایت می‌کند. هیچ‌گاه ممکن نشده یک روایت تمام و کمال به همراه اسناد مربوطه از این پرونده برای عموم مردم ارائه شود.

در کشورمان تعداد زیادی متخصص و کارشناس امور حقوقی بین‌المللی و قراردادهای بزرگ داریم. آنها هم هرگز به این پرونده دسترسی نداشته‌اند تا بتوانند یک قضاوت دقیق کارشناسی از ماجرا به مردم ارائه بدهند.

به همین خاطر آن «ب.ز.» مسئول سابق همواره دارد طرف مقابل را به یک مناظره دعوت می‌کند. او احتمالا به تمامی محتواها و اسناد دسترسی دارد اما تجربه چندین دهه مسئولیت به او انداز می‌دهد که دهانش را بسته نگاه دارد؛ چراکه اگر بخواهد حرف حساب‌نشده‌ای بزند ممکن است عوامل طرف مقابل

این روزها در کشورمان با دو «ب.ز.» سروکار داریم. تقریبا هر روزه خبرهایی درمورد یکی از این دو (یا هر دو) منتشر می‌شود. این دو شخص در برهه‌ای از زمان با یکدیگر تلافی هم داشتند.

ما یک «ب.ز.» متخلف داریم که میلیاردها دلار پول و منابع کشور را به تاراج برد و ۱۰ سال آن را پس نداد. او این روزها توبیت می‌زند و از توسعه فعالیت‌های اقتصادی‌اش می‌گوید. ما نمی‌دانیم اینها واقعیت دارد یا نه ولی می‌دانیم که حکم اعدام او به ۲۰ سال حبس تغییر کرده است.

همچنین ما یک «ب.ز.» معروف دیگر هم داریم که سال‌ها در کشورمان مسئولیت داشته است. او دست «ب.ز.» شماره یک را رو کرد. این روزها آن «ب.ز.» مسئول سابق هشدار می‌دهد که چرا یک محکوم به فساد را تا سطح یک قهرمان ملی بالا برده‌اند.

این «ب.ز.» دوم در قضیه‌ای به نام کرسنت هم حرف‌هایی برای گفتن دارد.

خبر رسیده که دارایی‌هایی از ایران در کشور انگلستان و اخیرا هلند در رابطه با خسارت طرف خارجی بابت عدم اجرای این قرارداد، توقیف شده

فساد در این قرارداد می‌کند. ما مردم عادی اصلا هیچ اطلاعاتی از ماجرای پرونده نداریم. نمی‌دانیم با چه شرایطی بسته شده و چه تعهداتی بین طرفین ردوبدل شده است. اطلاعات ما محدود به همان داده‌های کلی است که نمی‌توان چیز دندان‌گیری از آن برای شکل‌دهی به داستان اصلی استخراج کرد.

در عین حال مردم نسبت به سرمایه‌های خود حساسیت دارند. قرارداد کرسنت مربوط به فروش گاز یکی از میادین دریایی بود. این گاز در اعماق زمین و زیر دریا سرمایه‌های تک ایرانیان است. چرا مردم از این حق محروم هستند که بدانند چه اتفاقی برای این سرمایه (یعنی آن گاز) افتاده است؟ و از آن بدتر اینکه چه اتفاقاتی افتاده که علاوه بر آن باید سرمایه‌ها و دارایی‌های خود را در اقصا نقاط جهان بابت این قرارداد از دست بدهند (یعنی مصادره ساختمان‌های متعلق به ایران در خارج).

ما نمی‌دانیم روایت «ب.ز.» مسئول سابق تا چه حد درست و دقیق است؟ باید همواره این احتمال را مفروض گرفت که شاید او در این قرارداد کاری کرده

باشد. مشابه این ادعا را باید درمورد طرف مقابل هم مطرح کرد. این مسئله اکنون از دوران احمدی‌نژاد تاکنون روی زمین مانده و هیچ‌کس حاضر نیست ابعاد آن را برای مردم باز کند. هر دو طرف مدام دارند چیزهای تکراری و قبلی خود را تکرار می‌کنند. چرا هرکدام از افشاگران جزئیات بیشتر واهمه دارند؟ جالب است که یک طرف فریاد می‌زند که مناظره را برگزار کنید و طرف دیگر چوب دادگاه را بلند کرده است. هر دو طرف هم مدعی حقیقت و اثبات فساد طرف دیگر را دارند. چرا با این همه دم و دست‌نگاه و شورا و شورای عالی و نهاد اطلاعاتی و امنیتی و محاسباتی و نظارتی، هیچ‌مقام یا مرجع دیگری هم پیش‌قدم نشده که بخواهد شفافیتی در این زمینه به خرج بدهد؟

بعید است که مناظره یا دادگاه برگزار شود. ما با این وضعیت ناآشنا نیستیم. قضیه فساد چای دیش نیز با میلیاردها دلار فساد همچنان در اذهان ایرانیان معلق است و معلوم نشد که چه اتفاقی افتاده است. به قول آن جامعه‌شناس: «ما ملتی هستیم که نمی‌دانیم چرا باید این همه خسارت بدهیم.»

### هنر خوانی

#### پروانه اکران جشنواره‌ای یا عمومی؟

رئیس سازمان سینمایی در گفت‌وگویی به مسائل مبتلابه این روزهای سینمای ایران در چند زمینه به سؤالات خبرنگار ایسنا پاسخ داده است.

راند فریدزاده در پاسخ به اینکه آیا معتقد بر این است که فیلم‌های جشنواره فجر با نگاهی بازتر و ممیزی کمتر نمایش داده شوند؟ گفت: از قدیم‌الایام این تفکیک وجود داشت که یک اکران جشنواره‌ای داشته باشیم و یک اکران عمومی. ولی شخصا قائل به این دوگانگی نیستم. چرا باید عده‌ای در جشنواره بتوانند یک چیزهایی را ببینند و عده‌ای دیگر نتوانند؟ اگر در فیلمی مشکلی وجود دارد، باید از همان ابتدا حل شود. اما بخش عرفی آن از سال‌های گذشته شکل گرفته. آن‌هم به‌این‌دلیل که در جشنواره جماعت محدودتری فیلم می‌بینند؛ پس می‌توان آن را راحت‌تر نمایش داد. ضمن اینکه ممکن است با توجه به فشرده‌گی آماده‌سازی فیلم‌ها فرصت کافی برای اعمال اصلاحات وجود نداشته باشد، بنابراین شاید باید براساس همان عرف پیش رفت.

رئیس سازمان سینمایی ادامه داد: البته به نظرم برای عرضه‌کردن فیلم‌ها به مخاطب متخصص و غیرمتخصص باید تفکیک قائل شد. کسی که کارش سینماست یا اهل رسانه است و به‌صورت تخصصی سینما را دنبال می‌کند، می‌تواند فیلم‌ها را کامل ببیند، ولی ممکن است فیلمی که خشونت زیادی دارد و جامعه‌شناسان و متخصصان رسانه‌های آن را می‌بینند، برای عموم مردم -با توجه به شرایط عمومی و روانی جامعه- قابل عرضه نباشد.

او درباره اینکه فیلم‌های جشنواره فجر امسال پروانه نمایش جشنواره‌ای می‌گیرند یا پروانه نمایش عمومی، گفت: پیشنهاد من به دوستان شورای پروانه نمایش این بود که اگر می‌توانند، پروانه نمایش دائمی دهند. اما به دلیل تعداد زیاد فیلم‌ها که ۳۷ اثر هستند، ممکن است پروانه فقط محدود به جشنواره شود. اگرچه به نظرم بخش زیادی از فیلم‌ها مشکلی نخواهند داشت و پروانه نمایش دائمی می‌گیرند.

### خبرخوانی

#### هیچ فیلمی با فشار به جشنواره نیامد

نشست خبری منوچهر شاهسواری، دبیر جشنواره فیلم فجر در حالی برگزار شد که او تأکید داشت: هیچ فیلمی با فشار نهاد امنیتی به جشنواره نیامده است. او درباره اینکه آیا نظر داوران را شفاف‌سازی می‌کند یا خیر، گفت: «ابتدا تکذیب می‌کنم که هیچ فیلمی با فشار نهادی به جشنواره آمده باشد. برخی دوست دارند بگویند که زورشان آن‌قدر زیاد بود که فیلم را به جشنواره فرستادند ولی تمام فیلم‌ها با امضای اعضای هیئت انتخاب است. داوران از هشت صبح امروز تماشا می‌کنند و شروع کردند و این موضوع را با آنها مطرح می‌کنم.»

او اضافه کرد: «شمرنده همه کسانی هستم که دوست داشتند اینجا باشند ولی جایشان خالی است. همچنین تلاش می‌کنم تن به جدال‌ها و اصطکاک‌ها ندهیم». منوچهر شاهسواری در پاسخ به سؤالی دیگر درباره حضور کسانی که به جشنواره بی‌مهر بودند و امسال حضور دارند، گفت: «اگر فرض بی‌مهری را بپذیریم، آیا پاسخ بی‌مهری، بی‌مهری است؟ هرکسی در این کشور شهروند است، ممکن است در برخی امور اختلاف سلیقه یا تضاد و تعارض منافع داشته باشیم ولی اینکه فرصت‌ها را نگیریم و مهربانی کنیم با شیوه فرهنگی ما همسوتر است. شرایط را هم باید در نظر گرفت. جشنواره ذاتا مشوق هنرمندان است و خدای ناکرده نباید محل تنبیه باشد.»

### خبر

#### رستگاری به روی صحنه می‌رود

نمایش «رستگاری» نوشته ریکاردو پریئو (Ricardo Prieto)، نویسنده اوروگوئه‌ای، به ترجمه و کارگردانی معین اسماعیلی در نیمه نخست بهمن ۱۴۰۳ در تماشاخانه خانه هنر دیوار، روی صحنه خواهد رفت.

گروه تئاتر آرتور به سرپرستی معین اسماعیلی با شعار «تئاتر برای مردم، تئاتر درباره مردم» و با هدف اجرای نمایش‌نامه‌های رئالیستی - اجتماعی به‌ویژه تمرکز بر مشکلات انسانی و ارتباطاتی قرن معاصر در ایران، تشکیل شده و قصد دارد برای نخستین‌بار

این نمایش را در ایران به روی صحنه ببرد. این نمایش رابطه خانواده سه‌نفره فقیر آقای فلورس را روایت می‌کند که به دلیل وضعیت وخیم مالی، مجبور به اجاره‌دادن اتاق خانه‌شان به مبلغ بالایی به یک زن و شوهر می‌شوند؛ درحالی‌که پیش از ورود این مرد و همسرش همه‌چیز تقریبا عادی به نظر می‌رسید، با ورود مرد، روابط افراد به شکل پیچیده و دور از انتظار دستخوش تغییر می‌شود. در این اثر نمایشی، مجید سیفی، امیر ابراهیمی، الهه ادبی و مهران ویسی به ایفای نقش می‌پردازند. از دیگر عوامل اجرایی می‌توان به مانده جمشیدیان، دستیار کارگردان و کیانا حافظی، عکاس و فیلم‌بردار این اثر، اشاره کرد. علاقه‌مندان برای اطلاعات بیشتری می‌توانند به صفحه مجازی گروه تئاتر آرتور به نشانی @Arthurtheatre در اینستاگرام و برای خرید بلیت به صفحه تیوال این نمایش مراجعه کنند.

### شاهنامه‌خوانی

#### گریز ناگزیر رستم از برابر اسفندیار (۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار روبین‌تن به رستم گفت: «تو پهلوانی چاره‌ساز هستی و با نیرنگ نیز بیگانه نیستی. بزرگی و شکوه و زیندگی تو را دیده‌ام و دوست ندارم ناتوانی و فرودستی‌ات را ببینم. امشب تو را به جان خویش زینهار داده‌ام و چون به دیوان خود رسیدی دیگر در اندیشه نیرنگ نباش، در آنچه گفتی پایدار بمان» و رستم پاسخ داد: «همان کنم که تو گفتی». و زمانی که بر رستم پشت کرد، درگیر به او نگریمست تا ببیند آن پهلوان پیر چگونه به سرای خود بازمی‌گردد و رستم با خود می‌اندیشید اگر از این زخم جان بسپارد چه کسی کین او را خواهد گرفت و هنگامی که اسفندیار به رستم نگریمست که چون کشتی از آب می‌گذشت، با خود گفت که او زنده‌بیلی است که همچون او کس پای به هستی نگذاشته است و رستم از رنج خستگی‌ها در گذشتن از آب شتاب می‌ورزید. اسفندیار، یزدان پاک را برای آفرینش چنین زنده‌بیلی ستایش کرد. اسفندیار چون به سرایرده خویش بازگشت، پشتون به پیشواز برادر شتافت و دو برادر در سوگ مهنروان و نوش‌آذر سخت گریستند و اسفندیار از پس پرده اشک سرایرده را پرچاک دید و جامه همه بزرگان را دریده از سوگ دید. دو برادر برای آرام‌یکدیگر در آغوش هم رفتند و اسفندیار گفت: «دردا و دریغا که دو جوان برومند جان بر سر این پیمان شکنی گماردند. اکنون برخیز و پیش از این برای این دو کرد، آب در دیده مگردان که از خون ریختن هیچ بهره نبرده‌ایم. شایسته نیست این همه بر مرگ بیاویزیم. مرگ در کمین همگان نشسته است، خواه پیر و خواه جوان. کاش خرد هنگام رفتن راهنمایمان بود.» و سپس پیکر آن دو جوان را در تابوتی زرین نهاد، بر صد ساج گذاردند و نزد نیای خود کشتاسب فرستادند با این پیام که «تو از رستم جاکری خواستی و این پاسخ آغازین فرمان توست، باش تا بهتر ببینی». اسفندیار از خست و زخم‌زدن بر تن رستم خشنود نبود و با خود اندیشید چه‌بسا تا سرای خویش رسد از پای درآید و او را فردایی دیگر نباشد.

از دیگرسوی رستم خود را به ایوان رساند و چون دستان او را این‌گونه زخم‌خورده و از پای فتاده دید، آهی سرد از سینه برکشید و زواره و فرامرز را دید که از رنج رستم می‌گریند. رودابه دوان خود را رساند و چون فرزند برومند خویش را این‌گونه نزار دید، موی از سر برکند و چهره خویش را بختست. زواره کمر بند رستم را بگشود و بپایر را از تن او بیرون آورد و همه غمین و افسرده بی‌رامون رستم را گرفتند. رستم سخت دل‌نگران رخش بود، رخش را بیاوردند، نزارت از تهمتین بود، هرکس چاره‌ای می‌جست و پیشنهادی می‌داد. دستان برای درمان رخش و سوارش موی برکند و بر زخم‌ها بمالید و نالید که در این پیران‌سری چگونه بنگرد که فرزندش این چنین زار و نزار به نزد او آید.

رستم گفت: «از این ناله‌ها چه به دست آید، این کاری بود که از آسمان فرمانش رسیده بود و آنچه در پیش روی است، از آنچه امروز رخ داده، دردناک‌تر است و هرچه بپوش کنیم، او آتشین‌خوتر می‌شود. منی که دیو سپید را آن‌گونه بر زمین زدم، در برابر نیرو و زور اسفندیار ناتوان مانده‌ام، باید چاره‌ای دیگر کرد.» و آنگاه زال بود که پای پیش نهاد تا چاره‌ای بیابد.

شماره تلفن انتشارات شرق  
۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵ | ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴